

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلُونِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ شَيْبِ بْنِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا (ع) فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ فَقَالَ لِي يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ أَصَابَكُمْ أَنْتَ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي دَعَا فِيهِ زَكَرِيَّا (ع) رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» فَاسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ وَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَنَادَتْ زَكَرِيَّا «وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى» فَمَنْ صَامَ هَذَا الْيَوْمَ نُمِّ دَعَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ كَمَا اسْتَجَابَ لَزَكَرِيَّا (ع) ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ إِنَّ الْمُحَرَّمُ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ فِيهِمَا مَضَى يُحْرَمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَ الْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ فَمَا عَرَفْتَ هَذِهِ الْأُمَّةَ حُرْمَةَ شَهْرِهَا وَ لَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا (ص) لَقَدْ قَاتَلُوا فِي هَذَا الشَّهْرِ ذُرِّيَّتَهُ وَ سَبَّوْا نِسَاءَهُ وَ انْتَهَبُوا ثَقْلَهُ فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ أَبَدًا يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ إِنَّ كُنْتَ بِأَكْبَا لِسَيِّئَةٍ قَائِمٌ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) فَإِنَّهُ ذِيحٌ كَمَا يُذِيحُ الْكَبِشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَّةٌ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْبُهُونَ وَ لَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَ لَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِيَصْرَهُ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهَمُّ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُرٌّ إِلَى أَنْ يَفُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لِنَارَاتِ الْحُسَيْنِ يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (ع) أَنَّهُ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ جَدِّي (ص) مَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَ تُرَابًا أَحْمَرَ يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ إِنَّ بَكَتِ عَلَى الْحُسَيْنِ (ع) حَتَّى تَصْبِرَ دُمُوعُكَ عَلَى حَدِيثِكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزُرْ الْحُسَيْنَ (ع) يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَسْكُنَ الْعُرْفَةَ الْمُبْنِيَّةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ وَ آلِهِ (ص) فَالْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ لَكَ مِنَ الْقَوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنِ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ (ع) فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ فَاحْزَنْ لِحُرْمَتِنَا وَ افْرَحْ لِفَرَحِنَا وَ عَلَيْكَ بَوْلَاتِنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَلَّى حَجْرًا لِحَسْرَةِ اللَّهِ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (الأمالي، صفحہ 130 - 129)

ريان بن شبيب گوید روز اول ماه محرم خدمت حضرت امام رضا (علیه السلام) رسیدم به من فرمودند ای پسر شیبیب روزه ای؟ گفتم نه. فرمودند این روزی است که زکریا به درگاه پروردگارش دعا کرد و گفت پروردگارا به من از نزد خود نژاد پاکی ببخش زیرا تو دعا را می شنوی. خدا دعایش را اجابت کرد و به فرشتگان دستور داد ندا کردند زکریا را که در محراب ایستاده بود که خدا تو را به یحیی بشارت می دهد هر که این روز را روزه بدارد و سپس به درگاه خدا دعا کند خدا مستجاب فرماید چنان که برای زکریا مستجاب کرد.

سپس گفت ای پسر شیبیب به راستی محرم همان ماهی است که اهل جاهلیت در زمان گذشته ظلم و قتال را به خاطر احترامش در آن حرام می دانستند و این امت حرمت این ماه را نگه نداشتند و نه حرمت پیغمبرش را در این ماه ذریه او را کشتند و زنانش را اسیر کردند و دارابیش را غارت کردند خدا هرگز این گناه آنها را نیامرزد. ای پسر شیبیب اگر برای چیزی گریه خواهی کرد برای حسین (علیه السلام) گریه کن که چون گوسفند سرش را بریدند و هجده نفر از خاندانش با او کشته شدند که روی زمین ماندند نداشتند و آسمانهای هفتگانه و زمین برای کشتن او گریستند و هنگامی که چهار هزار فرشته برای یاریش به زمین آمدند او گشته شده بود و بر سر قبرش ژولیده و خاک آلود باشند تا قائم (عجل الله تعالی فرجه) ظهور کند و یاریش کند و شعار آنها یا لثارات الحسین است.

ای پسر شیبیب پدرم از پدرش از جدش برایم باز گفت که چون جدم حسین (ع) کشته شد آسمان خون و خاک سرخ بارید ای پسر شیبیب اگر بر حسین گریه کنی تا اشکت بر گونه هایت روان شود خدا هر گناهی کردی از خرد و درشت و کم و بیش ببامرزد.

ای پسر شیبیب اگر خواهی خدا را ملاقات کنی و گناهی نداشته باشی حسین را زیارت کن، ای پسر شیبیب اگر خواهی در غرفه های ساخته بهشت با پیغمبر ساکن شوی بر قاتلان حسین لعن کن، ای پسر شیبیب اگر خواهی ثواب شهیدان با حسین را دریابی هر وقت بیادش افتادی بگو «کاش با آنها بودم و به فوز عظیمی می رسیدم» ای پسر شیبیب اگر خواهی با ما در درجات بلند بهشت باشی برای حزن ما محزون باش و برای شادی ما شاد باش و ملازم ولایت ما باش و اگر مردی سنگی را دوست دارد با آن خدا روز قیامت محشورش کند. (الأمالی، صفحہ 130 - 129)